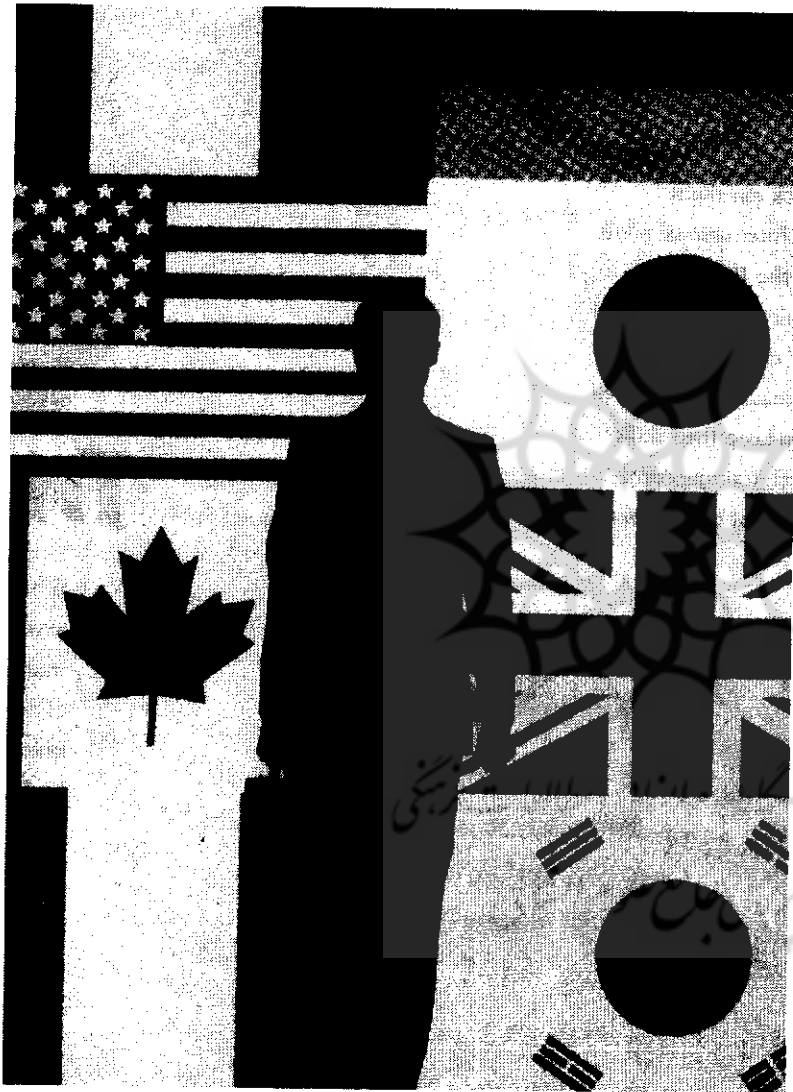


NGO ها محل نفوذ یکانگان یا...؟!



◆ علی پور سلیمان

اشاره:

در کشور ما متأسفانه گاهی اوقات بدون هیچ سند و مدرکی علیه یک جریان یا حرکت جوسازی شده و سعی در بی اعتباری آن می شود. در این رابطه می توان به سخنانی که اخیراً در باره NGO ها عنوان شده اشاره کرد. در حالی که همگان به این واقعیت معترف هستند که NGO ها نقش

به سزایی در کمک رسانی به مردم زلزله زده بزم داشتند. آنچه در زیر می آید در این رابطه است.

"ایستنا" نایب رییس کمیسیون فرهنگی مجلس در باره وضعیت NGO ها در ایران گفت:

آنچه جای تعامل دارد این است که یک حرکت در دنیا از سوی استکبار جهانی و صهیونیست ها در کشورهای جهان سوم و به ویژه در کشورهای اسلامی در حال شکل گیری است و آن ایجاد و توسعه NGO ها با نفوذ استکبار در کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی است. نماینده مشهد در مجلس هفتم با انتقاد از NGO ها

شرایط آن‌ها را نامطلوب و محلی برای نفوذ بیگانه دانست، به گزارش ایسنا، جواد آرین منش در همایش "تشکیلات جبهه پیروان خط امام و رهبری" در مشهد اظهار داشت: متأسفانه بعضی از NGO ها به عنوان رخنه‌گاه بیگانه مطرح شده‌اند، از این رو نمایندگانی که از سوی آنها به خارج از کشور می‌روند، به جای دفاع از فرهنگ انقلاب به نقد شرایط داخلی و انقلاب می‌پردازند، لذا یک بعد کمیسیون فرهنگی به نظارت از آنها اختصاص یافته است.

اقبال - شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۸۳

NGO ها یا سازمان‌های غیردولتی مخفف عبارت Organizations Non-Governmental است. این نهادهای مدنی حلقه واسط بین حاکمیت و مردم هستند و به عنوان دستگاه‌ها و گروه‌های رسمی، کارکردهای مهم و چندگانه‌ای دارند مانند:

نظارت عمومی - ایجاد حس مسوولیت‌پذیری و معتمدسازی نسبت به سرنوشت جامعه. تجربه جوامع موفق و توسعه یافته موید این موضوع است که آنان سیستم اداره جامعه از طریق احزاب و نهادهای مدنی را پذیرفته‌اند.

دیگر نمی‌توان با یک گروه ثابت، سنتی و یا قشری نگر - و با ارایه شعارهای بی‌پشتوانه و غیر علمی و فصلی - جامعه را به مشارکت در آینده خویش ترغیب کرد.

دوستان فرهنگی مجلس هفتم با چه مکانیسمی و با توسل به چه ابزارها و شرایطی می‌توانند "مشارکت" را در جامعه نهادینه کنند! با چه رویه‌ای می‌خواهند از "قرار مغزها" جلوگیری کنند!

با چه وسایلی و ابزارهایی می‌خواهند - رقابت و خلاقیت - را برای اداره بهینه جامعه به



گروه‌های اجتماعی منتقل کنند!

مگر آن که خدا را بی‌نیاز از این مفروضات بدانند و بخواهند با بهره‌گیری از تز "عقل کل" به رویه گذشته ادامه دهند.

نهادهای مدنی و احزاب، مجاری تنفسی یک جامعه هستند. آنها با آموزش و اصلاح رسانی و فرهنگ‌سازی، فرهنگ - شهروند بودن - را در میان افراد جامعه بسط و توسعه می‌دهند.

احزاب و نهادهای مدنی با جذب نخبگان و اقشار هوشمند و بعضاً خاموش جامعه و با عیب‌یابی سیستم، برنامه‌های لازم را جهت رفع معایب و کاستی‌ها ارایه می‌کنند و در برابر آن نیز به افکار عمومی پاسخگو هستند.

تربیت و کادرسازی جهت ورود افراد شایسته و کاردان و توانمند جهت تصدی امور جامعه - نهادینه‌سازی مشارکت جامعه و گروه‌های اجتماعی از نوع فعال و نه توده‌ای (پوپولیستی) که قابل پیش‌بینی نیست و جنبه نمایشی دارد و یا با مشارکت فعال از طریق بسیج، پتانسیل نهفته طبقات اجتماعی از انباشت و تراکم بی‌رویه قدرت در اختیار یک گروه خاص جلوگیری می‌کند.

فقدان این نهادها در کنار مطبوعات مستقل و پیگیر، زمینه را برای تشکیل گروه‌های مافیایی و غیر پاسخگو در زمینه‌های مختلف،

فراهم می‌کند در اهمیت وجود یا وجود این نهادها هر چه بگوییم باز کم گفته‌ایم اما متأسفانه دیدگاهی در جامعه وجود دارد که در نهادهای قانون‌گذاری هم ریشه دوانده و آن حذف و یا خنثی کردن نقش این سازمان‌ها از عرصه اجتماع است.

بدون تردید یکی از معیارهای موفقیت جوامع توسعه یافته، مدیریت تیمی و استفاده از الگوهای مشارکتی برای اداره جامعه بوده است. در واقع، فرآیند "مشارکت و ترغیب" با صدور بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و حتی قوانین نهادینه نمی‌شود. این مقوله احتیاج به زمینه‌سازی و بسترسازی و به عبارت بهتر "فرهنگ‌سازی" دارد. سیستم، برنامه‌های لازم را جهت رفع معایب و کاستی‌ها ارایه می‌کند و در برابر آن نیز به "افکار عمومی" پاسخگو است.

خوشبختانه، جامعه و افکار عمومی به لزوم "برنامه" و نیز مطالبه آن و مواظبت و پاسداری از اجرای آن بیش از پیش واقف است و در همین راستا خرد جمعی بر احساسات و غلیان آن پیشی گرفته است. علی‌رغم فضای سرد جامعه و نیز فضا سازی تبلیغاتی از طریق تربیون رسمی حاکمیت، تعداد نهادهای مدنی رو به گسترش است و آن چیزی که فعلاً بیش از همه مطرح است "تعمیق و یکپارچه‌سازی است". به همین دلیل بهتر است مجلس نشینان، با واقعیت‌های جامعه و جهان آشنا شوند.

تئوری "توهم توطئه" را کنار بگذارند. نگاه حذفی به رویدادها و وقایع را تعدیل کنند و به جای نظارت بر نهادهای غیر دولتی که اساساً کارکرد این نهادها، نظارت بر جریان رسمی است و هم اکنون جهت آن وارونه شده است به نهادها و دستگاه‌های غیر پاسخگو و تمامیت طلب بیندیشند که هم به نفع شهروندان است و هم به سود حاکمیت.